پدر و مادرهای بسیاری سراغ پوشاك خارجی برای فرزندان‌شان می‌روند
بی‌آن‌که حواسشان باشد کالای ایرانی مناسب در این عرصه بسیار است

خـــارجیـــه؟

زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر

چقدر مسیرتان به خیابان بهار و سایر پوشاك‌فروشی‌های کودکان و نوجوانان می‌افتد؟ و اگر هم فرزندی ندارید، تا چه اندازه از اطرافیانتان درباره قیمت‌های عجیب و غریب یك جفت کفش، کلاه و حتی جوراب می‌شنوید؟ به احتمال خیلی زیاد همه مان چنین تجربه‌هایی را داریم و با تعجب گفته‌ایم ای بابا! این مبلغ فقط برای یك جفت کفش!؟ مگر چه خبر است؟ آیا تولید داخلی برای کفش و لباس کودك نداریم که با قیمتی ارزان‌تر و به‌صرفه‌تر تولید شود و خانواده‌ها برای خرید پوشاك مورد نیاز کودك خود مبلغ کمتری را هزینه کنند؟ اینها سوالاتی بود که باعث شد با طراحان و تولیدکنندگان لباس کودك تماس بگیریم و ببینیم در آستانه آمدن نوروز و راهی شدن خانواده‌ها برای خرید، اوضاع از چه قرار است.

جای خالی لباس نوجوان

بهناز بوستانی، طراح لباس نوجوانان از این می‌گوید که طراحی لباس برای گروه سنی کودك و نوجوان در ایران نوپاست و هنوز عمر چندانی ندارد. اما خودش از نخستین کسانی است که به این فکر افتاده برای گروه سنی نوجوان لباس طراحی کند، چون بارها دیده در بازار برای این گروه سنی لباس مناسبی نیست و وقتی برای خرید لباس دو دختر نوجوانش راهی بازار می‌شده، با دست خالی بازمی‌گشته است. پس کم‌کم می‌بیند کسی به فکر لباس این گروه سنی که در ایران پوششی متفاوت با گروه سنی کودك دارند، نیست و باید خودش اقدام کند. او برند «چین‌چینی» را فعال می‌کند تا به گفته خودش لباسی مطابق با فرهنگ، نیاز و ذائقه ایرانی برای فرزندانش و دیگر نوجوان‌ها فراهم کند. این طراح لباس می‌گوید: پوشش مردها در سطح دنیا تقریبا از یك الگو تبعیت می‌کند، اما در لباس خانم‌ها مساله متفاوت است، حالا در جامعه ما هم لباس یك دختر نوجوان باید براساس عرف و فرهنگ جامعه باشد، اما وقتی به بازار مراجعه می‌کنید، می‌بینید خالی است و هیچ فکری در این زمینه نشده است.

او ادامه می‌دهد: متاسفانه چندان دستم برای کار باز نیست و مشکلات مالی و ... در کار ما هم مانند هر کار دیگری وجود دارد، اما در فضای مجازی که مشغول کار هستیم خانواده‌های زیادی به ما مراجعه و خرید می‌کنند.

بوستانی درباره تاثیر واردات لباس در حوزه نوجوان می‌گوید: خانواده‌ها می‌دانند لباسی که برای گروه سنی نوجوان وارد بازار می‌شود، این توانایی را دارد که سبك زندگی و ذائقه ما را تغییر دهد و این موضوع خیلی مهم‌تر از این است که بخواهیم بررسی کنیم ورود لباس قاچاق چه آسیب‌هایی دارد، چون تاثیری که لباس‌ها بر سبك زندگی فرزندان ما می‌گذارد، به مراتب مساله جدی‌تری است.

او معتقد است، باید برندهایی که برای دختران نوجوان فعالیت می‌کنند، بیشتر شوند و طراحی‌ها و الگوسازی‌های متفاوتی انجام شود. اقدامی که می‌تواند هم لباس‌های به صرفه‌تری را در اختیار خانواده‌ها قرار دهد و هم براساس نیاز، فرهنگ و عرف جامعه پیش برود.

کالای خوب داریم، تبلیغ خوب نه

حمید عظیمی تولیدکننده لباس کودك و نوجوان نفر بعدی بود که سراغش رفتیم و با او درباره موضوع لباس کودك و نوجوان و مسائل آن در بخش تولید گفت‌وگو کردیم. او کالای ایرانی تولید شده در بخش کودك و نوجوان را دارای کیفیت مطلوبی دانسته و می‌گوید: پوشاك در ایران هم مثل همه جای دنیا کیفیت‌های مختلف دارد، اما در کل می‌توان دید که لباس‌هایی با کیفیت مطلوب هم عرضه می‌شود.

او ادامه می‌دهد: هر چند کالای خوب ایرانی در این عرصه تبلیغ خوبی نداشته و چندان معرفی نشده، اما ما تولیدکنندگان ضربه اصلی را از قاچاق کالا می‌خوریم. لباس‌های خارجی وقتی بدون پرداخت عوارض و به صورت غیرقانونی وارد و با قیمت ارزان‌تری به فروش می‌رسد، ضربه اصلی‌اش را تولیدکننده داخلی می‌خورد.

عظیمی می‌افزاید: ما هیچ مساله‌ای با واردات نداریم، واردات از مجرای قانونی موجب می‌شود بازار رقابتی شود و ما هم کالای بهتری وارد بازار کنیم، اما بی‌قانونی در بازار مسلما برای ما بیش از هر صنف دیگری لطماتی خواهد داشت.

مردم لباس خارجی می‌خواهند

حالا اما می‌شود از خود پرسید که اگر لباس ایرانی با کیفیت خوب داریم و می‌شود با پرداخت مبلغ کمتری لباس‌های مناسبی هم تهیه کرد، چه نیازی است که حتما لباس خارجی خریداری کنیم؟ یکی از فروشندگان خیابان بهار می‌گوید، خانواده‌هایی که به ما مراجعه می‌کنند مصر هستند لباس‌های خارجی برای فرزندانشان بخرند و فکر می‌کنند نباید برای برند ایرانی هزینه کنند.

او ادامه می‌دهد: بسیاری تصورشان این است که پوشاك ایرانی کیفیت پایینی دارد و نباید برایش هزینه کرد. ما هم نمی‌توانیم کاری در برابر این تصورات آنها انجام دهیم.

کمی صریح‌تر سوالمان را مطرح می‌کنیم و می‌پرسیم که نمی‌توانند کاری انجام دهند یا فروش کالای خارجی برایشان به‌صرفه‌تر است؟ آقای فروشنده می‌خندد و می‌گوید که چندان فرقی ندارد، اما مسلما وقتی یك فروشنده بتواند به صورت قاچاقی کالایی را وارد کند، فروش آن برایش به‌صرفه‌تر خواهد بود.

حرفش را تصحیح می‌کنیم و می‌گوییم، به‌صرفه‌تر که نه! سود خالص، آن هم سود خالصی که به کلی بخش‌های دیگر در جامعه آسیب زده، اما سود برخی را فراهم می‌کند. آقای فروشنده هم صحبت‌های ما را کامل تر کرده و می‌گوید: این روزها کلی گروه و کانال تلگرامی و صفحه اینستاگرامی وجود دارد که برای خانواده‌ها لباس و کفش و کلاه و هر چه فکرش را بکنید، می‌آورد. یك نفر در کشور دیگری نشسته و برای همه کالا پست می‌کند، بی‌آن‌که گمرکی پرداخته شود یا مجرای قانونی در کار باشد. آنقدر هم حجمشان زیاد شده که خودشان یك پا قاچاق کالا محسوب می‌شوند، چرا کسی با آنها برخورد نمی‌کند؟

هر چند حرف آقای فروشنده قابل تامل است، اما طبعا تاثیر ارسال تك‌تك کالاها به این شکل با ورود عمده کالای قاچاق در کشور تفاوت زیادی دارد و موضوع بحث ما نیست. از آقای فروشنده می‌پرسیم آیا تا به حال پیش آمده کالای ایرانی را به جای خارجی به مردم بفروشند؟ او توضیح می‌دهد که این اتفاق در تمامی عرصه‌های پوشاك از کودك تا بزرگسال، از ورزشی تا رسمی و .... رخ می‌دهد. مردم می‌روند لباس خارجی بخرند، ایرانی با مارك خارجی می‌خرند و برمی‌گردند. فقط پول بیشتری می‌پردازند و فکر می‌کنند جنس خارجی خریده‌اند.

اتفاق عجیبی است نه؟ بله. برای مردمی که خودشان را باور ندارند و این همه تولیدکننده و طراح فعال در حوزه لباس کودك و کیفیت کارها را نمی‌بینند و می‌خواهند حتما لباسی را با اسم یك برند خارجی برای فرزندشان خریداری کنند، کاملا عادی است. اما لطفا قبل از این‌که بروید و بپرسید «خارجیه؟» نگاهی به گزارش‌های تصویری نخستین جشنواره مد و لباس کودك بیندازید و ببینید واقعا نمونه‌های داخلی چه فرقی با خارجی‌ها دارد.

یادداشت:
فاطمه شهدوست
روزنامه‌نگار

هشدار! بچه‌هایتان را یادتان رفته است!

تا صحبت از لباس و پوشاك می‌شود، اولین چیزی که به ذهن خیلی از ما و حتی مسؤولان بسیار پرتلاش فرهنگ و هنر می‌رسد، مانتو و حجاب برای خانم‌هاست، نگاهی که باعث شده تا گروه‌های دیگر از جنس مذکر گرفته تا انواع بچه‌ها از کودك تا نوجوان از این قافله عقب بمانند. الان مدت‌هاست که ما هر سال جشنواره‌های مختلفی مثل مد و لباس فجر یا حجاب و عفاف را داریم که در آنها تا دلتان بخواهد برای خانم‌ها طرح‌ها و لباس‌هایی وجود دارد که البته همان‌ها هم جای بحث دارند و حتی برخی شان کاربردی هم نیستند چه برسد به آن که بشود با آنها در جامعه حاضر شد. با این حال اجازه دهید فعلا از این داستان بگذریم، چون بارها درباره‌اش صحبت شده و در هر محفلی که به طراحی مرتبط است از آن گفته می‌شود.

امروز می‌خواهیم از ماجرای فراموش شده طراحی لباس کودکان بگوییم، قصه‌ای که بخش زیادی از کالای وارداتی را به خودش اختصاص داده و در این بین همان مسؤولان پرتلاش اگر یادشان بیفتد، هر ازگاهی فقط از برنامه‌های ایده‌آلی که برای آن دارند می‌گویند، حرف‌هایی که تا اینجا بیشتر فقط حرف بوده و هنوز اتفاق خاصی در عمل برایش رخ نداده است. اوضاع و احوال آشفته این حوزه حتی نیاز چندانی به توصیف ندارد و فقط کافی است سری به لباس فروشی‌های مخصوص بچه‌ها بزنید تا متوجه شوید ماجرا از چه قرار است. این داستان زمانی سخت‌تر می‌شود که بچه هفت‌هشت سالگی‌اش را رد می‌کند و کم کم پا به دنیای نوجوانی می‌گذارد، در این فاصله یعنی کودکی تا نوجوانی به خصوص برای دختربچه‌ها، این روند طوری می‌شود که خیلی اوقات صبر خانواده‌ها را هم لبریز می‌کند و آنها هم دیگر نمی‌دانند باید از کجا لباس مناسبی که البته قیمت منطقی هم داشته باشد، تهیه کنند. در این بازار خیلی اوقات المان‌های اصلی یك لباس از طرح آن گرفته تا مدل و جنسش دچار تشویشی است که داستان تکراری فرهنگسازی را هم لکه‌دار می‌کند و کلی پیامد دیگر را هم که فقط در صحبت‌های جامعه شناس‌ها به آن برمی‌خوریم با خود به ارمغان می‌آورد!

در همین گیر و دار البته که گاهی اقداماتی هر چند کوچك صورت می‌گیرد، مثل امسال که برای دومین دوره جشنواره ملی طراحی پارچه و لباس کودك و نوجوان با همکاری انجمن طراحان لباس و پارچه ایران و بنیاد ملی مد و لباس شکل گرفت. جشنواره‌ای که در بخش پژوهشی‌اش تازه به سراغ شناخت کودکان و نوجوانان و تلاش برای طراحی مناسب آنها رفته است، با این حال ادامه‌دار بودن و البته گسترش عملی آن در سایه همان مسؤولانی که به آنها اشاره شد، شاید بتواند بالاخره روزی ما را هم کمی در این فضا پیش ببرد.

و در آخر، بازهم جز ابراز امیدواری کاری نمی‌شود کرد؛ کاش این نوشدارو قبل از آن‌که دیرتر شود و دیگر دل و دماغی برای طراحان ناامید از بی‌توجهی‌ها نماند، فراهم شود.

امروز چی داریم؟

از کتاب‌ها تا لباس‌ها!

اگر شما هنوز از آن گروهی هستید که هر هفته سراغ روزنامه‌فروشی‌ها می‌روید و با عشق یا حتی از روی عادت آنها را ورق می‌زنید، پیشنهاد می‌کنم شنبه‌های گروه خستگی‌ناپذیر فرهنگ و هنر را از دست ندهید. بگذارید برایتان به طور خلاصه بگویم برای شروع هفت روز تازه‌نفس پیش رو، تیم ده نفره ما از تنها جمعه هفته‌شان دل می‌کنند و از ظهر جمعه برای شنبه فکر می‌کنند و می‌نویسند. شاید حتی تصور این حجم از کار برایتان مشکل باشد، این که گاهی از چند روز قبل برای اول هفته برنامه‌ریزی کنی و بعد ساعت‌ها بنویسی، تایپ کنی و در آخر صفحه را ببندی و با لبخند آن را بدرقه کنی تا فردا به دست مخاطبی مثل شما که امیدواریم نظرش جلب و از خواندن آن دلشاد شود، برسد. اما سال هاست شنبه ما از جمعه شروع می‌شود و همه تلاش می‌کنند تا آغاز خواندنی را با وجود آگهی‌هایی که مثل امروز گاهی کل صفحه را به ناچار می‌گیرند، رقم بزنند.

اما بیایید ببینیم امروز چی داریم؟

سردمدار خوش ذوق گروه فرهنگ و هنر ما، جناب صادق علیزاده که هر وقت سراغش بروید حتما با کتاب‌هایی که سال‌هاست همنشین او شده‌اند روبه‌رو می‌شوید، امروز در دوصفحه از کتاب «**در چنگال عقاب**» گفته، کتابی که داستان لحظه به لحظه دستگیری عبدالمالك ریگی را از زمان شناسایی و رهگیری او در آسمان و آن پرواز معروف تا پایان ماجرا را به قلم سیدحکمت قاضی‌میرسعید روایت می‌کند. همچنین از آنجا که فانتوم‌ها و غول‌های پرنده در کنار کتاب‌ها یکی از علایق اصلی دبیر گروه ماست، او این سوژه را که داستان اصلی‌اش در خانه همین غول‌ها رقم می‌خورد، در قابی جذاب و با قلم دلپسند همیشگی‌اش بررسی و تعریف کرده است. علاوه بر جزئیات کتاب و این داستان، **تحلیل بازتاب‌های بین‌المللی** آن، جنایت‌هایی که توسط **ریگی** اتفاق افتاد و جنبه‌های مختلف این شخصیت کثیف از دیگر مواردی اند که توسط علیزاده در صفحه ۱۰ و ۱۱ به آن پرداخته شده است.

زینب مرتضایی فرد هم که عنوان روزنامه نگار چیره دست به تنهایی برای او کم است، ماجرای **طراحی لباس کودکان و نوجوانان** را که خیلی وقت است کسی به حال آن فکری نمی‌کند سوژه کرده است. جنس گزارش‌های مرتضایی به واسطه نگاه او همیشه با هر کسی تفاوت داشته و همین باعث می‌شود به راحتی و بی‌توجه نشود از نوشته‌هایش گذشت. در این گزارش هم او سراغ یك طراح و یك تولیدکننده لباس دنیای کودکان و نوجوانان رفته و از صفر تا صد این فضا و چالش‌ها و کمبودهای آن را روایت کرده است، برای همین به خصوص اگر بچه‌ای در گروه سنی کودك و نوجوان دور و برتان است، این گزارش را کمی آن‌طرف‌تر همین صفحه را بخوانید.